

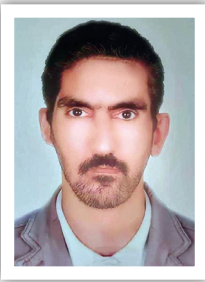


دستگیری کلاهبردار ۲۰میلیاردی در قزوین

مرد شیبادی که با استفاده از اسناد جعلی در مشهد دست به کلاهبرداری ۲۰میلیارد تومانی زده بود در قزوین به دام افتاد. به گفته رئیس پلیس استان قزوین، یکی از شاکیان این کلاهبردار حرفه‌ای که حکم جلب او را در اختیار داشت، مخفیگاه مرد کلاهبردار را به پلیس لو داد و این مرد در عملیاتی ضربتی دستگیر شد.

کوتاه‌تر از گزارش

خوابی که جان ۴بیمار را نجات داد



سید علی شهبان

مرد میانسال در جریان یک سانحه رانندگی دچار مرگ مغزی شد؛ اما خانواده‌اش حاضر به اهدای اعضای بدن او نبودند تا اینکه او به خواب یکی از برادرانش آمد.

به گزارش همشهری، این بیمار مرگ مغزی که ناصر املاح‌لقراء نام داشت و

۴۹ساله‌بود،ساعت ۲۲پنجشنبه گذشته از خیابان مقابل مدرسه عالی شهید مطهری عبور می کرد که ناگهان یک موتورسیکلت با شدت به او برخورد کرد. شدت این برخورد به حدی بود که این مرد روی زمین افتاد و دچار خونریزی مغزی شد. پس از انتقال او به بیمارستان معلوم شد که وی دچار مرگ مغزی شده است.

اولیای دم این مرد، مادر، خواهر و ۳برادرش بودند. آنها با اهدای عضو مخالفت کردند و گفتند راضی به این کار نیستند. در شرایطی که هرروز از این حادثه می گذشت، یک شب یکی از برادران متوفی در خواب او را دید که می خواست پیامی به وی بدهد. او وقتی از خواب بیدار شد، حال عجیبی داشت. همان موقع خوابی که دیده بود را با اعضای خانواده در میان گذاشت و آنها به اتفاق این خواب را به نیک فال گرفته و تصمیم گرفتند اعضای بدن او را به بیماران نیازمند اهدا کنند. به این ترتیب قلب، کبد و کلیه‌های او در بیمارستان سینا جاسازی شده و به ۴بیمار نیازمند که از مدت‌ها قبل در انتظار دریافت اعضای پیوندی بودند، اهدا شد. مریم املاح‌لقراء، تنها خواهر متوفی به همشهری می‌گوید ما مادر و یک خواهر بودیم. یکی از برادرانم سال‌ها قبل شهید شد و ناصر را هم در این حادثه از دست دادیم. بااینکه غم از دست دادن او سخت و سنگین است اما خدا را شکر که تصمیم درستی گرفتیم و اعضای بدن او جان ۴بیمار نیازمند را نجات داده است.

او ادامه می‌دهد: برادرم مرد با خدا و اهل کارهای خیر بود. ما هم برای رضای خدا و طبق خواسته خودش که به خواب برادر دیگرم آمده بود، اعضای بدن او را اهدا کردیم. او همسر و فرزند و هیچ وارثی نداشت. پنجشنبه (مروز) قرار است که او را به خاک بسپاریم. به همین دلیل از همه افرادی که حرف‌هایم را می‌خوانند خواهش می‌کنم برای برادرم نماز شب اول قبر بخوانند، به نیت ناصر، فرزند حسین. امیدوارم چنین حادثه‌ای برای هیچ‌کس اتفاق نیفتد اما در این شرایط بهترین انتخاب، اهدای عضو است.

داخلی

نجات ۱۵گروگان از خانه متروکه



تحقیقات کارآگاهان پلیس آگاهی درباره ۲دختر جوان که توسط افراد ناشناس ربوده شده بودند اسرار مخوف یک باند آدم‌ربایی را برملا کرد و باعث آزادی ۱۵گروگان شد. به گزارش همشهری، رسیدگی به این پرونده از روز ۱۸مردادماه اسامال شکایت‌والدین ۲دختر جوان در نیروی انتظامی شهری آغاز شد. این زن و مرد که از اتباع افغانستان هستند مدعی شدند که دخترانشان از چند روز قبل ربوده شده‌اند. پدر آنها گفت: ما چند سال است که به ایران آمده‌ایم و در جنوب تهران زندگی می‌کنیم. ۲دخترم که حدود ۱۵و ۱۲ساله هستند چند روز قبل که از خانه بیرون رفته بودند دیگر برنگشتند. یک روز بعد مرد ناشناسی تماس گرفت و گفت دخترانم را در دیده و باید بسزای آزادی آنها پول بدهیم. آنها ۱۰۰میلیون تومان می‌خواستند اما من این پول را نداشتم. آنها تهدید کردند که اگر زودتر ۱۰۰میلیسون را به‌صورت نقد به آنها نرسانم جان دخترانم به خطر می‌افتد.

با نیت این شکایات تحقیقات پلیس برای شناسایی پشت پرده این ماجرا آغاز شد. تجسس با دامه ادامه داشت تا اینکه پلیس به اطلاع‌اتی درباره آدم‌ربیان دست پیدا کرد که نشان می‌داد آنها گروگان‌های‌شان را در خانه‌ای متروکه در کهریزک نگهداری می‌کنند. کارآگاهان ابتدا این خانه متروکه را تحت نظر گرفتند و وقتی از حضور متهمان در آنجا مطمئن شدند عملیات رهایی گروگان‌ها کلید خورد. در جریان این عملیات مأموران موفق شدند گروگان‌گیران را که ۴نفر هستند دستگیر کرده و در یکی از اتاق‌های آنجا علاوه بر ۲دختر ربوده شده ۱۲مرد دیگر را که به شکل هولوکی نگهداری می‌شدند نجات دهند.

شرایط هولناک گروگان‌ها

بررسی‌های اولیه حاکی از آن بود که ۴متمم دستگیر شده با ربودن مهاجران افغان از خانواده‌های‌شان باج‌گیری می‌کنند. آنها این افراد را که اغلب جوان بودند در خیابان به بهانه‌های فریب‌داده یا با تهدید و زور به آنجا می‌کشانند و در ادامه با خانواده‌های‌شان تماس می‌گرفتند و با تهدید از آنها پول‌های کلانی می‌گرفتند. محل نگهداری گروگان‌ها خانه‌ای متروکه و بسدن امکانات اولیه بود. آنها افراد ربوده شده را در یک اتاق کوچک و کثیف نگه می‌داشتند که از امکانات بهداشتی اولیه هم محروم بود. در شرایطی که ۱۵گروگان بعد از آزادی به خانواده‌های‌شان تحویل داده شدند، ۴متمم که همگی سابقه‌دار هستند باداشت شدن و اعتراف کردند که در جاهایی که افغان‌ها حضور داشتند پرسه می‌زدند و آنها را به بهانه‌های مختلف با تهدید سوار خودرو کرده و پس از زندانی کردن‌شان باج‌گیری می‌کردند و از این راه از چند خانواده پول گرفته‌اند. به گفته سرهنگ محمدقاسم طهرانی، فرمانده انتظامی شهرستان ریز، ۴متمم با شکایت ۱۵شاکی در بازداشت

گزارش

روزنامهنگار

پسر ۳۴ساله با همدستی یک مجرم سابقه‌دار به شکار راننده خودروها می‌رفتند و با شلیک گلوله با ضربات چاقو جانشان را می گرفتند تا ماشین آنها را سرقت کنند. مردان جنایتکار بعد از قتل ۴ نفر در حاشیه پاتختی برای ارتکاب نقشه سرقت به شهرستان قروه کر درستان رفتند و صاحب یک مزرعه و ۲ قسردی را که در آنجا کار می‌کردند به رگبار بستند و ۲نفر از آنها را به قتل رساندند، اما نفر سوم زنده ماند تا اسرار این جنایتکاران زنجیره‌ای را فاش کند.

گروگانگیری خطرناک

به گزارش همشهری، بامداد همسر مرداد اسمال قروه‌استان کردستان اعلام شد.محل جنایت در یک مزرعه بزرگ بود و در آنجا ۳نفر خودروی یک قرار گرفتند که ۲ نفر از افراد جانشان راز دست داده بودند. نفر سوم که از این حادثه هولناک جان سالم به در برده صاحب مزرعه بود. هر چند وی هدف ۲ گلوله‌قرار گرفته بود،اما زنده ماند و توانست جزئیات حمله شبانه مردان مسلح را فاش کند. وی گفت: نیمه‌شب بود و من در راه رفتن به مزرعه بودم. ظاهرا دقایقی قبل تر ۲مرد مسلح وارد مزرعه شده و ۲ نفر از افرادی را که در مزرعه من کار می‌کردند، گسروگان گرفته بودند. وی ادامه داد: وقتی وارد مزرعه‌شدم و به ویلا رفتم، ۲مرد مهاجم که ماسک و کلاه داشتند، مرا گروگان گرفتند. آنها یکی از کارگران مزرعه را با شلیک گلوله به قتل رسانده و نفر دوم را گرفته بودند تا من برسم. مردان خطرناک تهدید می‌کردند که باید ۲میلیارد تومان به آنها بدهم تا راهیم کنند. آنها طلا و دلار می‌خواستند اما من نداشتم. گروگانگران تا صبح در خانه ویلایی من ماندند و سپس به سمت من نفر دوم (فردی که در مزرعه کار می‌کرد) شلیک کردند. کارگر دیگر هم در این تیراندازی به قتل رسید، اما

کشف یک تن موادمخدر در هرمزگان

مأموران انتظامی هرمزگان در کمتر از ۷۲ساعت موفق شدند ۸۲کیلوگرم انواع موادمخدر را از قاچاقچیان کشف کنند. مأموران در قالب چند عملیات در شهرهای مختلف استان هرمزگان موفق شدند ضمن دستگیری ۷قاچاقچی حرفه‌ای موادمخدر، ۹ دستگاه خودرو که در مجموع حامل یک تن و ۸۲ کیلوگرم انواع موادمخدر بود را کشف کنند.



قاتلان سربالی راننده‌های مسافرکش دستگیر شدند

اعتراف شکارچیان شب به ۶قتل



مجرم، یکی از قربانیان

بخت با من یار بود که با وجود اصابت ۲ گلوله زنده ماندم. مردان مسلح پس از تیراندازی فرار کردند و من ماجرا را به پلیس اطلاع دادم. این مرد در ادامه، مهم‌ترین سرخ پرونده را در اختیار پلیس قرار داد و گفت: من یکی از قاتلان را شناختم؛ او مردی به نام علی بود که سال‌ها قبل در مزرعه من کار می‌کرد.

مجرمان سابقه‌دار

تیمی از مأموران پلیس شهرستان قروه کردستان، برای دستگیری قاتلان مسلح وارد عمل شدند. بررسی‌ها نشان می‌داد که علی جوانی ۳۴ساله و سابقه‌دار است. وی اهل شهرستان بهار استان همدان بود کسه بارها به جرم درگیری دستگیر شده و به زندان افتاده بود. او آخرین بار به جرم معاونت در قتل به همراه برادرش دستگیر و روانه زندان همدان شده بود. برادر علی سال ۹۵ به اتهام قتل قصاص شده و علی نیز پس از چند سال تحمل حبس، اسفند سال گذشته از زندان آزاد و به همراه فردی که او هم سابقه‌دار است، به مزرعه حمله کرده و ۲نفر را به قتل رسانده بودند.

یابان فرار ۲نهنگار

با این اطلاعات، ۲مجرم سابقه‌دار دهم مرداد اسمال در همدان دستگیر شدند و در بازجویی‌ها اعتراف کردند که با انگیزه سرقت وارد مزرعه شده و سرار علی و ولی برادرش، مرگ تک قتل شده زندگی‌اش به تباهی کشیده شده است. آنها رسیدن به پول، طلا و دلار بود، اما به چیزی که می‌خواستند نرسیدند. هر چند به گفته خودشان در مزرعه تعداد زیادی گوسفند که ارزش میلیاردی

قتل‌ها شد.

اگر دستگیری نمی‌شدید باز هم قتل‌ها بتان ادامه پیدا می‌کرد؟

حمید رانمی‌داند اما من دیگر سخته شده بودم.

خسته از آدمکشی؟

خسته از رفت‌وآمد خسته از آدمکشی هم همینطور چون من بچه همدان بودم و خیلی برابم سخت بود که از همدان به تهران بیایم. می‌خواستستم به حمید بگویم که خسته شده‌ام از این رفت‌وآمد که دستگیر شدید.

عذاب وجدان نداشتی؟

مگر می‌شود نداشته باشیم؟ بعد از هر قتل اشک می‌ریختم و ساعت‌ها به قتل فکر می‌کردم. من معتاد به شیشه هستم و هر شب بواوم می‌کشیدم، قرص روانگردان هم مصرف می‌کردم و به‌همین دلیل نمی‌توانستم خوب بخوابم.

چه شد که به دام اعتیاد افتادی؟

از روزی که برادرم اعدام شد: سال ۹۵ بود.

برادرت چرا مرگ تک‌قتل شد؟

او سال ۹۲ در شهرستان بهار همدان رقیب عسکری‌اش را با ضربات چاقو به قتل رساند. من هم در یک‌گیری شرکت داشتم که دادگاه مرا به جرم مشارکت در قتل به جرایم دیگر که درگیری بود به ۵۵سال زندان محکوم کرد. اما توانستم تخفیف بگیرم و اسفند بارسال بود که از زندان آزاد شدم. من از زمانی که برادرم اعدام شد دیگر آدم سابق نشدم. حتی ۴بار در زندان و یک‌بار هم بعد از آزادی اقدام به خودکشی کردم، اما به دام رسیدند و زنده ماندم.

چند خواهر و برادر داری؟

فقط یک برادر داشتم که او یک سال از من کوچک‌تر بود. خواهر ندارم. بعد از اعدام برادرم، مادرم نیز بیمار شد و قرص مصرف می‌کند. پدرم هم مریض بود.

شغلش چیست؟

من کشاورزم.

مجردی؟ تا به حال ازدواج نکرده‌ای؟

نه، اما می‌خواستم با دختر عموم ازدواج کنم که نشدم. ما عاشق همدیگر بودیم. حتی او برای من صبر کرد تا از زندان آزاد شوم، اما من زندگی‌ام را نابود کردم.

درس خوانده‌ای؟

تا پنجم ابتدایی.

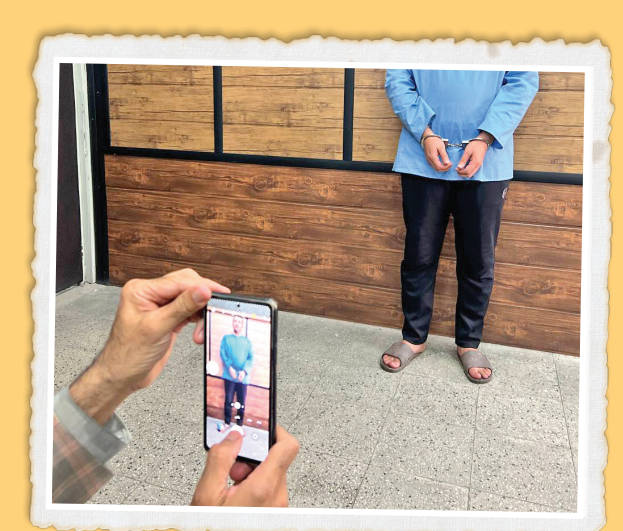
حمید، همدستت را چطور می‌شناختی؟

با او در زندان آشنا شده بودم. او به جرم کلاهبرداری و خرید و فروش مشروبات الکلی در زندان بود. بعد از آزادی هم متوجه شدم وضع مالی‌اش خوب شده است و گفت بیا با هم کار کنیم. می‌گفت پول، حرف اول را می‌زند، می‌گفت اگر پول داشته باشی، همه چیز داری. من هم وسوسه شدم تا برای رسیدن به پول وارد این خطرناک شوم.

حمید ۵۵سال سن دارد و تو ۴۶سال؛ چطور با این تفاوت سنی زیاد با هم دوست بودید

و مرگ تک این قتل‌ها شده‌اند؟

او مغز را شست‌وشو داده بود. روی مخ من خیلی کار می‌کرد. الان هم می‌گوید در لجن‌زار فرو رفته‌ای و همه قتل‌ها را گردن بگیر اما من این‌بار می‌خواهم عاقلانه عمل کنم. او همیشه می‌ترسید و می‌گفت می‌باد اسرار سرت‌هایت را جایی بازگو کنی. چون وقتی من شیشه می‌کشم کنترل‌ی بر مغزم ندارم و مدت‌ها بود که نمی‌توانستم بخوابم.



پنجشنبه ۲۶ مرداد ۱۴۰۲ — شماره ۸۸۵۸



تقویم حوادث

وقتی خلبان پرواز چابهار، هواپیما را ربود

یکسی از خبرهایی که ۲۲سال پیش در چنین روزی در مطبوعات کشور به چاپ رسید، ماجرای ربوده شدن یک هواپیمای مسافربری توسط خلبان بود، ماجرای عجیب که در نهایت با بازگشت هواپیما به مسافرانش به ایران خاتمه یافت و معلوم شد پسر پرتاه این ماجرا ۲نفر از خدمه هواپیما ازجمله خلبان بوده‌اند.

روزنامه اطلاعات در ۲۶مرداد سال ۶۰گزارشی درباره این حادثه منتشر کرد که در آن یکی از شاهدان عینی که از خدمه هواپیما بوده، ماجرای این هواپیما را بی توضیح داد.

این خدمه هواپیما ماجرا را اینطور توضیح داد: از تهران به بندرعباس رفتیم و از آنجا پس از سوار کردن مسافر به سوی چابهار حرکت کردیم.

وی افزود: پس از مدتی متوجه شدم هواپیما تغییر مسیر داده و در سطح آب‌های خلیج‌فارس در حال پرواز است. بلافاصله وارد کابین خلبان شدم و از او توضیح خواستم. او جواب داد: چون هواپیما نقص فنی پیدا کرده است، تغییر مسیر داده است. سپس سؤال کردم: پس چار در سطح آب پرواز می‌کند که پاسخ داد: چون هوا به‌زودی توفانی می‌شود، در سطح آب پرواز می‌کند.

این شاهد عینی ادامه داد: داخل هواپیما پرگشتم و جریان را برای مسافران که نگران وضعیت بودند بازگو کردم. اما کمی بعد گشتم نگرانی من بیشتر شد. چون دیدم هواپیما به جای چابهار به سمت طعن پایین خلیج‌فارس در حرکت است. مجدداً به داخل کابین خلبان رفتم و از او توضیح بیشتری خواستم. اما این بار خلبان کلت کمری‌اش را بیرون کشید و مرا تهدید کرد و گفت که کاری به پرواز هواپیما نداشته باشم و از کابین خلبان خارج شوم. وی گفت: بار دیگر به داخل هواپیما و نزد مسافران برگشتم. نگرانی آنها بیشتر شده بود. برایشان توضیح دادم که خلبان هواپیما با اسلحه مرا تهدید کرده است. هر چند در آن شرایط یک کلت کمری هم‌راهم بود و می‌توانستم از آن استفاده کنم و هواپیما را بازگردانم اما این کار را نکردم. چون ممکن بود درگیری مسلحانه پیش بیاید و به مسافران آسیب برسد یا این که هواپیما سسقوط کند. برای همین من و بقیه مسافران کاری نکردیم و فقط منتظر شدیم. پس از مدتی، هواپیما وارد آسمان عمان شد و روی فرودگاه شهر مسقط قرار گرفت. هواپیما پس از اینکه چندبار در اطراف فرودگاه دور زد، سرانجام اجازه فرود دادند و در فرودگاهی روی زمین نشست. ما بلافاصله از مقامات عمان تقاضای بازگشت کردیم و پس از چند روز، سرانجام با این هواپیما به ایران بازگشتم. براساس این گزارش، پس از بازگشت هواپیما به ایران معلوم شد که ۲نفر از خدمه هواپیما از جمله خلبان، با ربودن هواپیما و انتقال آن به عمان، در خواست پناهندگی کرده بودند.

انتظامی

شارژ ۵هزار تومانی ۵۰میلیون آب خورد

مرد شبیاد با ایجاد صفحه جعلی در فضای مجازی به بهانه فروش شارژ از شهروندان کلاهبرداری می‌کرد. او در یک مورد به بهانه فروش شارژ ۵هزار تومانی موبایل، ۵۰میلیون تومان از حساب یکی از معلمه‌هایش برداشت کرد.

به گزارش همشهری، رسیدگی به این پرونده از چند روز قبل به‌دنبال شکایت یکی از شهروندان در پلیس فتای تهران آغاز شد. شاکی که مدعی بود از حساب بانکی‌اش ۵۰میلیون تومان برداشت شده است در این باره گفت: برای خرید شارژ تلفن همراه در فضای مجازی مشغول جست‌وجو بودم که با یک سایت مواجه شدم. در این سایت قیمت کمتری نسبت به سایر جاها برای فروش شارژ تلفن همراه اعلام شده بود و من هم تصمیم گرفتم از این سایت خرید شارژ بخرم.

او ادامه داد: من بدون اینکه به آدرس سایت و درگاه پرداخت آن توجهی کنم و درباره امنیت آن بررسی بیشتری انجام دهم، شارژ مورد نظرم را انتخاب کردم و برای پرداخت پول آن وارد درگاه پرداخت شدم. ابتدا شماره کارت بانکی‌ام را وارد کردم و در ادامه اطلاعات محرمانه کارت‌تم را وارد کردم اما با اتکانش ناموفق مواجه شدم و ناگهان از طریق پیامکی که از بانک برایم آمد متوجه شدم که همه موجودی حسابم که حدود ۵۰هلمیون تومان بود برداشت شده است.

به‌دنبال این شکایت، کارشناسان پلیس فتا تحقیقات خود در این باره را آغاز کردند. آنها در جریان بررسی‌های فنی متوجه شدند که فردی ناشناسی به بهانه فروش شارژ ارزان قیمت یک در گاه جعلی پرداخت ایجاد کرده که شهروندان را به آنجا هدایت و از طریق این درگاه از کاربران فضای مجازی کلاهبرداری می‌کند. درحالی‌که هویت متهم شناسایی شده بود مأموران با مجوز قضایی متهم را در یکی از مناطق جنوبی تهران دستگیر و در مخفیگاهش تجهیزات الکترونیکی کشف کردند. سرهنگ دادو معظمی گودرزی، رئیس پلیس فتای تهران بزرگ با اعلام جزئیات این پرونده به شهروندان توصیه کرد: شارژهای تلفن همراه مورد نیاز خود را فقط از مراکز و اپلیکیشن مالی مورد تأیید و معرفی شده در وب سایت اصلی بانک‌ها و با مورد تأیید بانک مرکزی و نصب شده از منابع اصلی و با وب سایت اپ‌نورها تهیه کنند و به نتایج نشان داده شده توسط موتورهای جست‌وجو اکتفا نکنند، چرا که احتمال تقلبی بودن بعضی از این نتایج وجود دارد.